نگاهی به دعای ندبه در میراث مکتوب شیعه



دکتر حسن انصاری
دین پژوه

درباره دعای شریف، معروف به دعای ندبه، در مطالعات و پژوهش های شیعی تاکنون بررسی های زیادی شده است؛ شاید بیش از همه مرحوم جلال الدین محدث ارموی به این امر توجه کرد. اصولا شرح نویسی و تفسیرنویسی بر دعای ندبه سنتی است کم وبیش جدید در میان شیعه واین امر البته درباره اصل اهتمام وشهرت این دعا نیز در میان شیعیان صادق است. البته علامه مجلسی به این دعا اهتمام داشته، اما به ویژه در پنجاه سال گذشته عنایت بدان در ایران روزافزون بوده است.

اصلا این متن که به عنوان دعای ندبه مشهور است، از سده ششم قمری به بعد در میان شماری از شیعیان از شهرتی برخوردار بوده وخاصه ابن طاووس در شهرت بخشی بدان اهتمام ورزیده بوده است. بدین ترتیب، اصل این متن در کتاب های حدیث یا ادبیات غیبت متعلق به دوران عصر غیبت صغرا واوایل دوران غیبت کبرا که از پیش از سده ششم قمری در دست است، نقل نشده است. این متن نخستین بار در کتاب «المزار ابن المشهدی» ارائه شده است وبعدها چنان که گفتیم، از طریق ابن طاووس از شهرت بیشتری برخوردار شده است.

البته ناگفته نماند که ابن المشهدی که ظاهرا منبع نقل ابن طاووس هم بوده، خودش واسطه ای را در نقل این دعا نام می برد که او از عالمان امامی در اوائل سده پنجم قمری بوده است، به نام ابوالفرج محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره القنائی الکاتب که این متن را روایت کرده بود. او دعای ندبه را خودش به نقل از کتابی از ابوجعفر محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری نقل می کرده است. اینکه در آثار دوران آغازین غیبت ونیز در آثار شیخ مفید وشیخ طوسی متن این دعا نقل نشده است (گو اینکه بزوفری را می شناخته اند ودست کم با برخی روایات ودفترهای حدیثی اوآشنا بوده اند)، دلیلی بر اصالت نداشتن متن نیست، بلکه از این دست متون محتملا در آن دوران نمونه های دیگری هم بوده وشاید به دلیل شهرت متن در میان عامه شیعه نیازی به ثبت آن در کتاب ها نبوده است. به هر حال برخی عالمان امامیه اصرار داشته اند که متن دعای ندبه را متنی نقل شده از امامان قلمداد کنند وبرخی دیگر، آن را متنی متعلق به حلقه وکلا ونائبان اربعه وخاصه در دوران غیبت صغرای حضرت دانسته اند.

ما به طبع براساس اسناد موجود نمی توانیم به روشنی در این باره ابراز نظر قطعی کنیم، اما از ظواهر این متن وصرفا از دیدگاه تحلیل تاریخی می توان گفت که این متن در شکل فعلی اش متنی است که ظاهرا حال وهوای عصر آغازین غیبت را تداعی می کند وانتسابش به امامان دوران پیش از غیبت ظاهرا باید منتفی تلقی شود. گو اینکه همین بررسی نشان می دهد این متن باید ریشه در متن هایی داشته باشد که به دورانی کهن تر متعلق بوده اند وعقاید شیعیان به ظهور قائم وغیبت اورا تداعی می کرده است.

دعای ندبه متنی است به سبک مرام نامه نویسی های مکتبی که محور اصلی آن را روایتی از «تاریخ قدسی» وارائه تفسیری از آنچه «تاریخ»/ پیشینه آرمان ها وسیره رهبران مکتب قلمداد می شود وعلاوه بر آن تبیین «سیره عملی» امام/رهبر ودر بافتی آخرالزمان اندیشی تشکیل می دهد.

در این دست متون کوشش می شود این چارچوب در ضمن ارائه بندهای «اعتقادنامه ای» بیان شود ودر ضمن، جایگاه ووظیفه کنونی مؤمنان را دقیقا روشن کند ودر عین حال، هم به آینده نجات بخش نوید دهد وهم وضعیت کنونی را در چارچوبی بیان وتفسیر کند.

دعای ندبه در آغاز متن، تصویری مکتبی ودر چارچوب ایدئولوژی مکتب تشیع از سیر هدایت انسانی وبه طور مشخص هدایت انسان از سوی خداوند واز طریق تعالیم انبیا به دست می دهد واز تک تک انبیای بزرگ یاد وتلاش های آنان را در امر هدایت ودر سلسله هدایت الهی از طریق انبیا وآنگاه از طریق اوصیای ایشان تبیین می کند. در حقیقت، دعای ندبه فرائتی است شیعی از تاریخ نجات که در آن سهم انبیای الهی روشن شده است ودرباره پیامبر خاتم به شکل خاص بر این امر تأکید می شود که تداوم هدایت الهی فقط در چارچوب وصایت حضرت امیر(ع) وبر پایه روز غدیر خم وبا تعیین مستقیم حضرت رسول(ص) تضمین شده است. در این متن، حضرت امیر(ع) «حبل ا... المتین» و«صراط مستقیم الهی» معرفی شده وبر این نکته تأکید شده است که حضرت برای تأویل، جهاد می کند. در این دعا باوجود آنکه دقیقا بر آموزه های شیعی درباره امامت ووصایت تکیه شده، صرفا بر حقانیت حضرت در قتال با مخالفانش در دوران خلافتش تأکید ورزیده شده وبه مسئله غصب خلافت ومسائل پیش از دوران خلافت حضرت اشاره نشده است. این امر کم وبیش با وضعیت شیعیان در دوران اوائل عصر غیبت واهتمام بر تقیه ومناسبات با دستگاه خلافت ونیز ساختار تبلیغی وعمومی بودن این متن برخلاف یک متن کلامی با مخاطبان محدود تناسب دارد. در دنباله دعا، بر انحراف امت از وصایای پیامبر وانحراف از امامان و«هادیان حق» تأکید شده است. با این وصف در این قسمت دعا جدا از حسنین، صرفا به طور کلی از «ابناء الحسین» سخن رفته که نشانی آشکار بر عقیده عموم گروه های امامیه وبرخلاف زیدیان است وآنگاه فقط از امام صادق(ع) به اشاره یاد شده واز امامان بعد از امام صادق(ع) فقط با عنوان کلی «صادقانی بعد از صادق» نام برده شده است. به طبع این امر نشان می دهد که هسته اصلی متن کنونی بسیار کهنه تر از دوران آغازین عصر غیبت صغرا وتکمیل سلسله امامت است ومتعلق به دایره وسیعی از شیعیان امامی معتقد به «قائمیت» است؛ شیعیانی که به انحای مختلف به ظهور «قائم/مهدی(عج)» معتقد بوده اند.

در قسمتی از دعای ندبه، نه تنها بر انحراف تاریخی امت تأکید می شود، بلکه با بیان آنچه «منتظر» انجام خواهد داد، عملا به انتقاد وضع موجود از دیدگاه سیاسی واجتماعی می پردازد وبا اشاره وایما، وضع خلافت حاکم ودیدگاه مؤیدان وضع موجود را به نقد می کشاند. در دنباله این بخش، امام منتظر را به عنوان فرزند حجج الهی معرفی کرده است وجابه جا با تعابیر مختلف جایگاه امامان وامامت الهی را تعریف می کند. تعبیر «الی متی احار فیک یامولای» وچند تعبیر مشابه درست در بخش بعدی نشان دهنده این است که متن نهایی نه در اوایل عصر غیبت صغرا وبلکه محتملا در اواخر این دوران صادر شده است. پس از این قسمت، به شکل خاص با تداوم ذکر آنچه امام غایب متصدی انجام آن است، بر این امر تأکید می شود که او سلسله هدایت را که از آغاز بشریت آغاز شده است، تداوم خواهد بخشید. نکته ای که باید در پایان متذکر شویم، این است که این متن خالی از هرگونه گرایش غالیانه گروه هایی از شیعیان در آن دوران است واین نشان می دهد که این متن ویژگی وحدت بخشی واجماعی در میان شیعیان امامی داشته وتحریر نهایی آن با همین هدف صورت گرفته است. مرکزیت نهاد وکالت وشیعیان وابسته به این نهاد در بغداد سده چهارم قمری به طور کلی گرایش به اعتدال در تفکر شیعی را نمایندگی می کردند واین مسئله با اسنادی دیگر که در دست است، کاملا قابل تأیید است.

شهرآرا
شنبه
۱۲ آذر ۱۴۰۱
۰۸ جمادی الاول ۱۴۴۴
شماره ۳۸۲۵
۱۴
SHAHRARANEWS.IR

گفت وگوی شهرآرا با دکتر محمدتقی سبحانی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

شناساندن معارف شیعه با زبانی جدید

امید حسینی نژاد

مکتب تشیع از زمان شکل گیری آن در دوران حیات پیامبر اکرم(ص) هویت ومبانی فکری شناخته شده ای داشته است. پیش از شکل گیری قاعده مند مکاتب فکری اسلامی، معیارهایی خاص برای شناختن هر مذهبی وجود داشته است، اما در قرن دوم کم کم فضا برای شکل گیری رسمی مذاهب اسلامی فراهم شد. در میان اهل سنت، برخی متفکران قرن دوم با نوشتن کتاب هایی، مذاهب کلامی وفقهی را پایه گذاری کردند. در این میان، شیعیان در دوران حضور توانستند با بهره گیری از میراث فکری معصومان(ع) بنیان های فکری مذهب تشیع را پایه گذاری کنند.

رفته رفته در قرن های بعد فضایی بسته برای فعالیت های فکری شیعیان ایجاد شد. حکومت هایی که با شیعیان دشمنی داشتند، به هیچ عنوان اجازه توسعه مکتب تشیع را نمی دادند وعلمای شیعی در فضایی سخت به دفاع از مکتب تشیع می پرداختند. این مسیر در دوران صفویه تغییر کرد وبا سیطره حکومت شیعی در ایران فضایی مناسب برای دفاع از مکتب تشیع ایجاد شد. در دوران معاصر نیز تا پیش از انقلاب اسلامی پژوهشگران غربی آشنایی درستی از مکتب تشیع نداشتند وانقلاب اسلامی سبب شد نگاه اسلام پژوهان غربی به این سو دوخته شود. مهم ترین مشکل در دوران جدید برای شناساندن تشیع در دوران جدید، نبود منابعی متقن وآکادمیک در این زمینه است. «مؤسسه البیان للتواصل والتاصیل» که سال ها پیش به همت دکتر محمدتقی سبحانی، رئیس بنیاد بین المللی امامت، تأسیس شد، به دنبال آن بود منابعی علمی وآکادمیک برای شناخت عقلانی تشیع تولید کند. در اساسنامه این مؤسسه نیز آمده است که «موسسهٔ البیان تلاش می کند با رویکرد علمی وبا بهره گیری از ابزارهای فرهنگی ورسانه ای، با معرفی روشن وروشمند مکتب اهل بیت، زمینه گفت وگو وشناخت بیشتر با سایر مکاتب، ادیان ومذاهب را فراهم سازد. این مؤسسه، با سرلوحه قراردادن فرمایش امام رضا(ع) که فرمود ان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا، عرضه درست ودقیق معارف اهل بیت(ع) در همه ابعاد فکری، اخلاقی، حقوقی، سیاسی واجتماعی را تنها راه معرفی مکتب گران سنگ قرآن وسنت می داند.»

برای آشنایی هرچه بهتر با رویکرد این مؤسسه وشناخت هرچه بهتر مکتب تشیع از مردم جهان، گفت وگویی با مؤسس مؤسسه البیان للتواصل والتاصیل، دکتر محمدتقی سبحانی، داشته ایم.



اثر حسن روح الامین با موضوع مناظره امام رضا(ع) با اندیشمندان ادیان

آقای دکتر، مؤسسه البیان للتواصل والتاصیل باتوجه به اساسنامه اش به دنبال شناساندن عقلانی شیعه به مردم جهان است. به نظر شما رویکرد این مؤسسه تا چه اندازه می تواند به این مسیر کمک کند؟

اصالت وشفافیت در معرفی شیعه دو هدف عمده مؤسسه البیان للتواصل والتاصیل است. ما در داخل کشور بعد از تلاش وفعالیت در حوزه های مختلف به این نتیجه رسیدیم که نقطه ضعف در معرفی تشیع، تأکیدنشدن بر معارف اصیل اهل بیت(ع)، کتاب وسنت است. به تعبیر دیگر، ما در حوزه تشیع در اطراف وحاشیه آن حقایق ومعارف زیاد کار می کنیم، اما به اصل ومتن که مایه وجوهر حقیقی معارف شیعه است، در حوزه های علمیه کمتر توجه شده است.

به عنوان نمونه، ما فلسفه، کلام، اصول، فقه وادبیات می خوانیم، اما اصل مطلب این است که وقتی همه آن ها را روی هم می ریزیم ومقایسه می کنیم یا آن چیزی که دستمایه قرآن ومعارف اهل بیت(ع) است، فاصله زیادی دارد. این مباحث در حقیقت بخشی کوچک از معارف اصیل اهل بیت(ع) به شمار می آید. در نتیجه، باید یادآور شویم آن چیزی که در مقابل آن مسئولیت ووظیفه داریم، اصل دین است. این قبیل از علوم به عنوان ابزار ومقدمه هستند یا به عنوان مجموعه ای که کمک می کنند به معارف اهل بیت(ع)، ولی آن جوهر معارف وحقایق دین نیستند.

به همین دلیل، ما از بیست سال پیش این رویکرد ودغدغه را داشتیم که برای تربیت نسل جدید، باید افرادی تربیت کنیم که بتوانند معارف اصیل شیعه را عرضه ونگارش کنند ودرباره آن سخن بگویند وهم زمان در صحنه عملی ومیدانی نیز حضور جدی داشته باشند. براین اساس، سعی شد به تبیین معارف به حوزه بیرون تشیع به عنوان یک کار برون شیعی نیز توجه شود، چراکه آن چیزی که تاکنون از تشیع در بیرون معرفی شده است، تشیع واقعی نیست.

به نظر شما علت این ضعف در شناساندن شیعه به غربی ها در دوران جدید چیست؟

معرفی نشدن شیعه در خارج به دلیل ضعف ونقص در خود ماست وما در این زمینه مقصریم ودر معرفی تشیع کوتاهی کرده ایم. از سوی دیگر، نسل شیعه نیز باحقایق اصیل شیعی کمتر آشناست ودر معرفی شیعه به خارج از شیعه نیز همین داشته های اندک را منتقل می کنیم. یک بخش هم به دشمنان مربوط است. آن ها تلاش می کنند چهره وتصویری که از شیعه در بیرون نشان می دهند، تصویری وارونه ومعکوس باشد تا در نتیجه تشیع را منحرف نشان بدهند.

براین اساس، طبق دیدگاه کارشناسی باید در عرصه بین الملل فعالیت وروندی را دنبال کنیم که معارف حقیقی شیعه را به زبانی که مخاطب آن را درک می کند ودر دنیا حاکم است، معرفی کنیم. این مجموعه به تعبیر دیگر تابلویی از معارف حقیقی تشیع را عرضه می کند که دارای برخی ویژگی ها باشد؛ اول اینکه از اصالت لازم برخوردار باشد واز سوی کسانی این کار انجام شود که خودشان شخصیت های صاحب فکر وقلم واعتبار باشند.



طبق دیدگاه کارشناسی باید در عرصه بین الملل فعالیت وروندی را دنبال کنیم که معارف حقیقی شیعه را به زبانی که مخاطب آن را درک می کند ودر دنیا حاکم است، معرفی کنیم. این مجموعه به تعبیر دیگر تابلویی از معارف حقیقی تشیع را عرضه می کند که دارای برخی ویژگی ها باشد؛ اول اینکه از اصالت لازم برخوردار باشد واز سوی کسانی این کار انجام شود که خودشان شخصیت های صاحب فکر وقلم واعتبار باشند

از نگاه شما مهم ترین مانع ومشکل برای رسیدن به این مطلوب چیست؟

مشکل بزرگ تر این است که به ریاکاری ودورویی متهم می شویم. چنانچه در محافل مختلف که می خواهیم درباره تشیع سخن بگوییم، به صراحت می گویند شما خودتان را به روشنی معرفی وبیان نمی کنید. در این حالت، آن ها می گویند شما به اسم تقیه، ریا ودورویی می کنید وبه اسم احتیاط مسائلی را برای ما بازگو می کنید، بعد می روید در داخل محیط خودتان حرفی دیگر می زنید.

این بزرگ ترین اتهام علیه تشیع معاصر است وما باید این اتهام را از خودمان برداریم وبگوییم ما شیعه ودارای مبنا واصول هستیم، با اخلاق ومنطق سخن می گوییم واهل گفت وگو هستیم؛ اما در عین حال دارای هویتی مستقل وشفاف وصریح هستیم وبا صدای رسا وبلند می گوییم شیعه این است.

البته در درون شیعه اختلاف نظر وجود دارد. دلیل این اختلاف را هم بیان می کنیم. می گوییم در این باره این تفسیر است وتفسیرهای دیگری هم گفته شده است ووجود دارد وشما نمی توانید بیایید اینجا وبه نام تشیع حرفی بزنید. ما معتقدیم این دو ویژگی، یعنی اصالت وشفافیت، باید در بیان ومعرفی تشیع جریان داشته باشند.

براین اساس، پس از بررسی واندیشیدن به این نتیجه رسیدیم که مؤسسه ای را در لبنان به نام «البیان للتواصل والتاصیل» تأسیس کنیم وبنا را گذاشتیم که دو ویژگی را دنبال کنیم؛ اول تواصل، زیرا بخشی بزرگ از ضربه ای که در دنیای اسلام وجهان خورده ایم، این است که ارتباطات ما ضعیف بوده است. ما زبان ارتباط، زبان گفت وگویی که تابلو خیلی روشن از خودمان بیان کند ونشان دهد، نداریم.

در این مدت آیا آثاری مکتوب نیز در این مؤسسه تدوین شده است؟

بله. در حوزه محتوایی برای این مؤسسه چند مجموعه با عنوان موسوعه (دایرة المعارف) فرهنگ شیعی در نظر گرفتیم که در قالب یک بسته (پکیج) منتشر خواهند شد وبرای تألیف در هر موضوعی، یک متخصص درجه اول از حوزه ودانشگاه انتخاب کرده ایم.

این موسوعه شامل مباحث اصیل شیعی ودیگر مواضع ودیدگاه های شیعه درباب قرآن کریم، سنت وحدیث، پیامبر اکرم(ص)، اهل بیت(ع)، منابع معرفتی، الهیات (عقاید)، نظام اقتصادی شیعه، فقه تعایش وفقه الاختلاف، عرفان/معنویت خانواده، زنان، حقوق بشر، مهدویت، فلسفه سیاسی اسلام، اعتقادنامه شیعه، شیعه وتمدن اسلامی، سبک زندگی نظام تعلیم وتربیت و... است که هرکدام در قالب یک مجلد تدوین خواهد شد.

مخاطب این مجموعه ها افراد غیرشیعی هستند ودر نظر داریم این موسوعه ۲۵جلدی را به پنج زبان مهم دنیا ترجمه ودر یک نشر معتبر منتشر کنیم. همچنین مجموعه دیگری که برای معرفی شیعه پیش بینی شده است، بسته درس نامه های آموزشی حوزه فکر شیعه است.

آثار این مؤسسه به چند زبان ترجمه خواهد شد؟

این آثار در ابتدا به زبان فارسی است وپس از آن، ترجمه خواهند شد. دلیل آن هم این است که نویسندگان ما در ایران فارسی زبان هستند، اما قصد داریم حوزه نگارش را توسعه دهیم واز ظرفیت های عراق، لبنان وکشورهای عربی دیگر استفاده کنیم. یکی از مشکلات تشیع، حضور نداشتن در مراکز دانشگاهی وکرسی های شیعه شناسی در دانشگاه است. در اروپا یک منبع ومتن درسی معتبر ومورد اعتماد برای دانشجویانی که می خواهند با تشیع آشنا شوند، وجود ندارد. باید اعتراف کرد که تولیدات ما مناسب آنجا نیست. باید برای آن ها متون درسی تولید کنیم وبرای یک دانشجوی اروپایی که می خواهد با تشیع آشنا شود، متنی مناسب تهیه کنیم. برای معرفی معارف شیعی به زبان هنری وامروزی برای نوجوانان نیز برنامه هایی در دست بررسی واقدام است. همچنین، مشابه این برنامه ها در سطح معلمان ومربیان هم در دست اجراست. ما معتقدیم برای آموزش معارف دین در حوزه تشیع یک روش شناسی تعلیم وتعلم را باید آموزش بدهیم که این طرح با حضور ۱۰ تن از استادان در حال بررسی است.

وقف‌نامه‌ای به‌خط آیت‌ا... سیستانی در مدرسه نواب

به روایت اسناد



مدرسه علمیه عالی نواب یا مدرسه صالحیه از مدارس علمیه مشهور مشهد است که در ضلع شمالی «بالا خیابان» (خیابان نادری سابق وشیرازی فعلی) ودر نزدیکی حرم امام رضا(ع) قرار دارد. تاریخ تأسیس مدرسه به سال ۱۰۸۶ قمری بازمی گردد ودارای معماری خاص با حجراتی در دو طبقه است. کتابخانه این مدرسه به دلیل وجود نسخه های خطی از گذشته توجه پژوهشگران وعلاقه مندان را جلب کرده است. «التعلیقة السجادیه» ملا مرادبن علیخان تفرشی درگذشته ۱۰۵۱ قمری، حاشیه ای است بر کتاب شریف «من لایحضره الفقیه» که ملامراد تفرشی، عالم بزرگ عصر صفوی وشاگرد شیخ بهایی، نوشته است. از این کتاب نسخه های متعددی وجود دارد. نسخه کتابخانه نواب جلد دوم این حاشیه است که فرزند مؤلف ظهیرالدین علی کتابت کرده است. او از شاگردان مقدس اردبیلی واز اکابر علمای شیعه امامیه وفقهای بنام روزگار خویش بود.

در برگ اول نسخه وقف‌نامه ای به خط ظهیرالدین علی نوشته شده که در آن به نکاتی قابل توجه اشاره شده است. وی می گوید: «این کتاب جزء دوم حاشیه موسوم به التعلیقه السجادیه است که توسط پدرم مولانا مراد تفرشی نوشته شده است. من این نسخه را از روی خط پدرم کتابت وبا اصل آن به قدر امکان مقابله کردم واین نسخه را وقف بر طلاب اثناعشریه مجاور مشهد امام علی بن موسی الرضا(ع) می کنم وتولیت آن را برعهده سیدصالح فاضل ... حاجی میرمحمد جعفر سبزواری می گذارم.»

و در انتهای وقف‌نامه آمده است: «انا اقل العباد عملا واکثرهم ذللا ابن ملا مراد التفرشی ظهیرالدین علی بمحمد و آله فی شهور سنه ۱۰۹۶.»

در برگ دوم نسخه دستخط حضرت آیت ا... سیدعلی سیستانی دیده می شود. متن دستخط این گونه است: «قد حصل هذا الکتاب الشریف بید الاحقر علی الحسینی السیستانی ۱۳۶۷.»

در بالای وقف‌نامه نیز دستخط تقدیمی ایشان با این مضامین موجود است: «این کتاب تقدیم مدرسه نواب شد بتاریخ ... علی الحسینی السیستانی.»

گفت‌وگوهایی در باب عقل و اندوه

کتاب شناخت



زهد وعرفان، ضمن جدایی، همراهی نیز داشتند. با توجه به بحث زهد عرفانی در «اشارات وتنبیهات» ابن سینا، می توان گفت همراهی آن دو، پس از قبول بخشی از زهد از جانب عرفان/تصوف تا تبدیل زهد به یکی از مقامات سلوک وقبول بعضی لوازم آن در مسیر یادشده پیش رفت. اندوه ناشی از این نوع زهد را باید نتیجه یکی از محوری ترین لوازم زهد، یعنی توبه دانست.

«هر چیزی را زکاتی است وزکات عقل اندوهی است طویل.» آیا این جمله از فضیل عیاض، زاهد مسلمان قرن دوم، است؟ یا آیا می تواند از فضیل باشد؟ اصلا آیا معنای آن به گوینده آن گره خورده است یا در اینجا نیز «ما قال» از «من قال» جداست؟ اگر از فضیل است یا می تواند از فضیل باشد ومعنای «گفته» با «گوینده» ارتباط دارد، به چه معناست؟ چرا عقل زکات دارد؟ وچرا زکات آن اندوه است؟ وچه نه اندوهی کوتاه، بل اندوهی دراز وطولانی؟ فضیل در این جمله با طرح نسبتی شگرف وشگفت بین عقل واندوه، آن هم اندوه طویل، بیتی از ابیات حماسه معنوی اش را سروده وموجب حیرت مخاطبان شده است.

به نظر می رسد این جمله از آن خود فضیل است واین جمله کاملا با شخصیت فضیل منطبق است. ضمنا به نظر می رسد معنای این جمله کاملا با شخصیت گوینده گره خورده است؛ در اینجا «ما قال» از «من قال» جدا نیست.

در کتاب «عقل واندوه طویل: گفت وگوهایی در باب نسبت عقل واندوه» با توجه به جمله ای که از فضیل عیاض نقل شده، سؤالاتی از برخی دانشوران پرسیده شده ونتیجه در قالب این کتاب منتشر شده است. در این گفت وگوها توجه به تخصص هر یک از مصاحبه شوندگان در دستورکار قرار گرفته است تا هم مصاحبه ها تخصصی شوند وهم فواید تک تک آن ها بیشتر شود وهم سخن های تکراری کمتر به آن ها راه یابند. سروش دباغ، ان شاءالله رحمتی، پرویز عباسی داکانی، قاسم کاکایی، مهدی محبتی ومصطفی ملکیان افرادی هستند که با آن ها گفت وگو شده است. در ابتدای کتاب نیز بعد از مقدمه، زندگی نامه فضیل عیاض آورده شده است.